

گونه‌شناسی و تحلیل روایات نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منابع زبیده^۱

زینب سلامی^۲
مهدی مهریزی^۳
مهرداد عباسی^۴

چکیده

باور به ظهور منجی و انتظار قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از مهم‌ترین اعتقادات مورد اتفاق نظر همه فرقه‌ها و مذاهب اسلامی است. در میان فرقه‌های مختلف تشیع، فرقه زبیده یکی از شاخه‌های اصلی است که به دلیل اشتراکاتی که در مورد مسئله امامت و اصل مهدویت با شیعه امامیه دارد؛ حائز توجه و اهمیت می‌باشد. در این پژوهش با مراجعه به منابع حدیثی زبیده و بررسی مجموعه کامل روایات مهدویت در منابع آن‌ها، تلاش شده است. از روایات مربوط به نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منابع زبیده گونه‌شناسی‌ای ارائه و دیدگاه‌های مطرح در این زمینه مطرح شود. در بخش دوم مقاله نیز با مطالعه تطبیقی منابع امامیه در این زمینه، به بررسی و نقد این احادیث پرداخته شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند. بیش‌ترین فراوانی روایات مهدویت در منابع زبیده به نام و لقب آن حضرت مربوط است و تنها اختلاف

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «بررسی روایات مهدویت از دیدگاه امامیه و زبیده» است.

۲. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
salami.salam61@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول
Toosi217@gmail.com

۴. مهرداد عباسی، استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
abbasimehrdad@yahoo.com

مطرح در منابع زیدیه و امامیه در زمینه نسب آن حضرت می‌باشد؛ اگرچه در منابع زیدیه، بر فاطمی نسب بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح شده است.

واژگان کلیدی: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، زیدیه، نقد احادیث مهدویت، القاب حضرت

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

مقدمه

اعتقاد به مهدویت یکی از بخش‌های مهم عقاید شیعیان است. بازتاب این اهمیت در روایات موجود در کتاب‌های ایشان مشهود است. در میان فرقه‌های مختلف تشیع، فرقه زیدیه یکی از شاخه‌های اصلی تشیع است که به دلیل اشتراکاتی که فرقه مذکور در مورد مسئله امامت و خلافت اهل بیت علیهم‌السلام با شیعه امامیه دارد، بررسی این مسئله حائز اهمیت می‌باشد. نکته قابل توجه این است که نخستین عالمان زیدی، تا سده‌های میانی، نگاشته یا اثر حدیثی مدونی نداشته‌اند. برخی محدثان زیدی در اوایل قرن سوم به جمع و کتابت و املاي حدیث پرداختند و قرن چهارم نیز دوره شکوفایی تألیفات زیدیه بوده است؛ اما در میان این مجموعه حدیثی که رفته رفته در طول سال‌ها، سیر تکاملی پیموده و حجم قابل توجهی پیدا کرده است؛ فقدان تألیفات متعدد و مستقل با موضوع مهدویت و تنها اختصاص دادن يك یا چند باب در برخی منابع، و نقل شمار اندکی از روایات با این موضوع در منابع روایی زیدیه؛ قابل تأمل است. با این حال، وجود روایاتی با موضوع مهدویت؛ مانند معرفی مهدی موعود، نام و نسب ایشان، انتظار قیام او و بشارت ظهور آن حضرت، در منابع زیدیه، حاکی از وجود باور به مهدویت و عقیده به مهدی موعود در فرقه زیدیه است.

در این پژوهش تلاش شده است ضمن گونه‌شناسی دقیق روایات مربوط به نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منابع زیدیه و احصای کامل آن‌ها، در بخش دوم مقاله با استناد به منابع معتبر امامیه، به بررسی و نقد احادیث زیدیه پرداخته و دیدگاه صحیح و معتبر مذهب شیعه دوازده امامی در این زمینه بیان شود. بنابراین، سؤال اصلی این تحقیق، آن است که در منابع زیدیه چه روایاتی در مورد نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارند و چه نقدهایی بر این روایات وارد است و کدام یک از آن‌ها را می‌توان پذیرفت.



روش تحقیق

اهتمام اصلی این مقاله، جمع‌آوری روایات زبیده در موضوع نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سپس بررسی و نقد آن‌ها با استناد به منابع معتبر امامیه است. از این رو در پژوهش حاضر ابتدا با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی دقیق احادیث در منابع زبیده، مجموعه کامل احادیث مهدویت جمع‌آوری و دسته‌بندی و سپس احادیث خاص در موضوع نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل و گونه‌شناسی شده‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات در روش کتابخانه‌ای، فیش برداری از منابع کتابخانه‌ای، بانک‌های اطلاعاتی و نرم‌افزارهای مرتبط با موضوع را شامل می‌باشد. در این زمینه از روش کیفی، به‌عنوان روش تحقیق پژوهش و از روش‌های کتابخانه‌ای و گونه‌شناسی به‌منظور جمع‌آوری و تجزیه تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

در بخش دوم تحقیق با استفاده از روش مطالعه تطبیقی به بررسی و نقد احادیث ذکر شده از منابع زبیده پرداخته شده است و با استناد به منابع معتبر امامیه، احادیث مذکور، به‌صورت انتقادی، تحلیل شده‌اند. دغدغه محققان این مقاله صرفاً جمع‌آوری و نقل احادیث مهدویت در منابع زبیده نبوده است، بلکه آنان در مرحله اول، به دنبال پاسخگویی به مسئله وجود روایات مهدویت در منابع زبیده بوده‌اند و در مرحله دوم، به دنبال کسب معرفت صحیح از موضوع مهدویت، بررسی و نقد احادیث اقدام کرده‌اند. لذا پس از احصای روایات از آثار روایی زبیده، آن‌ها را دسته‌بندی کرده و به مقایسه و تحلیل پرداخته‌اند.

بر اساس اذعان پژوهشگران حوزه مطالعات زبیده، در اولین گام برای مطالعه در این حوزه، دستیابی به منابع (چه تألیفات خود زبیده و چه تألیفات دیگران درباره آنان)، همواره از مشکلات و معضلات پیش روی محققان بوده و معضل در دسترس نبودن آثار زبیده، فراروی ایشان بوده است. برای احصا و بازشماری روایات نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منابع زبیده، بر اساس عناوین اصلی مورد نظر، به جست‌وجوی عبارات و کلیدواژه‌های متضمن مفاهیم آن عناوین، در میان ۱۳۱ عنوان کتاب از میان کتاب‌های زبیده، با موضوعات عقیدتی، فقهی، حدیثی و تفسیری پرداخته شده است.



۱. آشنایی با فرقه زیدیه

«زیدیه»، یکی از فرقه‌های اصلی شیعه و پیروان زید بن علی، ملقب به «زید شهید» هستند. آغاز شکل‌گیری و فعالیت این گروه از شیعیان را می‌توان قرن دوم هجری دانست؛ زمانی که زید، فرزند امام سجاد علیه السلام در سال ۱۲۲ هجری به همراه گروهی از شیعیان، که او را امام خود می‌دانستند، علیه حکومت خلیفه اموی، هشام بن عبدالملک، خروج کرد. این قیام و درگیری با نیروهای حکومت، به کشته شدن زید انجامید؛ اما پایه‌گذار اندیشه و نحله فکری و مذهب مستقلی شد که در کنار تشیع امامی از مهم‌ترین شاخه‌های شیعه محسوب می‌شود.

هر چند برخی معتقدند که زید بن علی هیچ‌گاه خود را امام نخواند و مدعی امامت نبود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲: ج ۸، ص ۵۹۲)؛ چون او پس از امام حسین علیه السلام نخستین فرد از فرزندان امام علی علیه السلام بود که قیامی خونین و حرکتی تأثیرگذار داشت، و در میان معاصران خود اولین کسی بود که در قول و عمل، باب جهاد علیه ظالمان را گشود؛ گروه‌هایی از شیعیان که به قیام به سیف علیه ظالمان معتقد بودند و برخلاف امامیه، تقیه را جایز نمی‌دانستند، او را امام خود دانستند و «زیدیه» نامیده شدند (حمزه بن سلیمان، ۱۴۰۶: ج ۳، ص ۱۰۹-۱۱۰).

اندیشه مهدویت در تاریخ زیدیه امری است ریشه‌دار و همزاد با شکل‌گیری این فرقه که نشانه‌های آن را می‌توان در منابع تاریخی و روایی زیدیه یافت. آموزه مهدویت نزد زیدیان تا اندازه‌ای مطرح بوده که در زمان خروج زید بن علی، جمعی از اهل کوفه نزد او رفتند و از او پرسیدند: آیا تو همان مهدی‌ای هستی که در روایات وعده داده شده است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند؟ و یا پس از کشته شدن زید بن علی و مصلوب کردن وی توسط امویان، شعری سروده شد که گویای وجود اعتقاد به اصل مهدویت در میان زیدیان است؛ به نحوی که حتی برخی از آنان زید بن علی را مهدی می‌پنداشتند (مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۲۱۰).

گفتنی است که همه فرقه‌های زیدی نسبت یکسانی با امامیه ندارند. در معرفی فرقه‌های درون زیدیه، ایشان را از لحاظ انتخاب رهبر به سه فرقه مهم «جارودیه»، «سلیمانیه (جریه)» و «بتریه (صالحیه)» تقسیم می‌کنند که وجه مشترک این سه فرقه، قول به امامت زید بن علی می‌باشد (یحیی‌الأمین، ۱۴۰۶: ص ۱۲۹). با کمی تأمل در تاریخ زیدیه، مشخص می‌شود که جارودیه به دلیل نزدیک بودن به تفکر شیعه امامیه، نقش به‌سزایی در بازتاب آموزه مهدویت



دارند، تا جایی که راوی بسیاری از روایات مهدویت در منابع امامیه، ابوالجارود، رئیس فرقه جارودیه می‌باشد و رجالیان امامیه نیز هیچ تلاشی برای جدا کردن ایشان از امامیان نکردند (بغدادی اسفراینی، ۱۹۹۸: ص ۲۲).

قابل ذکر است که در این مقاله در صدد تفکیک جریانات حدیثی زیدیه نیستیم، بلکه روایات مهدویت در منابع زیدیه را به طور کلی مورد بررسی قرار داده‌ایم و لذا زیدیه متأخر و متقدم را به طور مجزا بررسی نکرده‌ایم.

اصول اعتقادی مکتب زیدی عبارتند از: توحید، نبوت، عدل، وعد و وعید، منزلت بین المنزلتین، تبعیت از اهل بیت علیهم‌السلام و امر به معروف و نهی از منکر (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲: ج ۸، ص ۵۹۱). به دلیل پیوند بحث مهدویت و امامت و دلالت‌های امامت در مهدویت، در ادامه به بررسی متمایزترین شاخصه‌های مفهوم امامت در اندیشه زیدیه می‌پردازیم.

۲. مهم‌ترین شاخصه‌های مفهوم امامت در اندیشه زیدیه

بررسی مجموعه اعتقادات زیدیه در مقوله امامت، نشان می‌دهد که مهم‌ترین تفاوت‌های اندیشه‌ای پیروان این فرقه با دیگر فرقه‌های اسلامی، به‌ویژه شیعه امامیه اثنا عشری، به چهار موضوع قابل تفکیک و دسته‌بندی است. این چهار موضوع عبارتند از: «ضرورت قیام امام»، «ضرورت فاطمی نسب بودن امام»، «عدم شرط عصمت برای امام» و «عدم انحصار تعداد امامان» که در ادامه به شرح دقیق آن‌ها پرداخته بیان خواهد شد:

یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های صحت تصدی و مشروعیت امامت نزد زیدیان، دعوت علنی به خود و خروج برای قیام علیه ظالمان است. برخلاف امامیه که امامت نزد ایشان حقیقتی کلامی است، در دیدگاه زیدیه، امامت هویتی سیاسی دارد. به بیان دیگر، امام نزد زیدیان باید با سیاست درگیر باشد؛ با قدرت حاکم مبارزه کند؛ یا این‌که خود، قدرت را در دست داشته باشد. از منظر زیدیه، متصدی جایگاه امامت موظف است در جهت حفظ مصالح عمومی جامعه، به جهاد با ظالمان بپردازد. تمام امامان متقدم زیدی مذهب، قیام به سیف را شرط امامت دانسته و آنان را بر اصل امر به معروف بنا کرده‌اند (صابری، ۱۳۸۳: ص ۸۷).

یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های نظری امامت در فرقه زیدیه، شرط نسب است. از دیدگاه



زیدیه امام باید از نسل فاطمه علیها السلام و از فرزندان یکی از دو پسر ایشان، یعنی امام حسن علیه السلام و یا امام حسین علیه السلام باشد، و بر این شرط اجماع دارند. بر این اساس، زیدیان معتقدند که هر فاطمی نسبی که با شمشیر قیام کند؛ امر به معروف و نهی از منکر کند و مردم را به خودش فرا خواند، امام است (حلی، ۱۴۰۸: ص ۳۶۴). شهرستانی نیز در کتاب الملل و النحل به این عقیده اشاره کرده است و می‌گوید: «زیدیه، ... هر فاطمی نسبی را که عالم و زاهد و شجاع و سخی باشد و به خود دعوت و خروج کند؛ امام واجب الاطاعه می‌دانند؛ خواه از فرزندان امام حسن علیه السلام باشد یا از اولاد امام حسین علیه السلام» (شهرستانی، ۱۹۷۲: ج ۱، ص ۱۳۷).

اگرچه در مذهب امامیه، عصمت از جمله شروط اصلی امامت است و عالمان امامیه معتقدند، واجب است امام معصوم باشد (حلی، ۱۴۰۸: ص ۳۶۵)؛ زیدیان به عصمت همه ائمه معتقد نیستند. از منظر زیدیه، فقط اهل کسا (پیامبر، علی، فاطمه و حسنین علیهم السلام) معصوم هستند و دیگر پیشوایان، همانند مردم عادی‌اند و از خطا معصوم نیستند. علوم ائمه نیز کسبی است و لذا، مستلزم خطا و ثواب می‌باشد. بر این اساس، علم امام زیدی، علم لدنی و غیبی نیست؛ برخلاف امامیه که امام را صاحب علم لدنی می‌داند (یحیی‌الأمین، ۱۴۰۶: ص ۱۲۸).

همچنین برخلاف عقیده امامیه، زیدیه در تعداد ائمه به حصر قائل نیستند؛ زیرا بر این باورند که هر فاطمی نسبی که قیام به سیف کند و علیه حاکمان جور و ظلم، خروج کند؛ به منصب امامت زیدی نایل می‌شود و هیچ حصری در عدد ائمه وجود ندارد (همان و زیدی، بی‌تا: ص ۹۳).

۳. پی‌جویی روایات مهدویت در منابع زیدیه

همان گونه که اشاره شد، بر اساس شاخصه‌های امامت نزد زیدیه، امامان زیدیه، به‌عنوان ذریه و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، واجب الاطاعه هستند و کلام صادر شده از ایشان، مانند کلام نبوی، سند و حجت است. از این رو شاهد آن هستیم که زیدیان در منابع و تألیفات خود، اعم از اصولی، فقهی و حدیثی سخنان ایشان را نقل و به آن‌ها استناد می‌کنند (وزیر، ۱۴۲۳: ج ۱، ص ۱۷۴).

بنابراین، روایات موجود در منابع زیدیه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) روایات مروی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛

ب) سخنان صادر شده از ائمه و بزرگان زیدیه.

براین اساس، در ادامه مقاله برای بررسی روایات زیدیه در مورد مهدویت، ضمن توجه به هر دو دسته روایات، تلاش شده است دسته‌بندی کاملی از مجموع دو گونه روایات مربوط به «نام» و روایات مربوط به «نسب» حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الشَّرِيفُ ارائه شود. بدین منظور ابتدا به نقل روایات زیدیه بسنده شده و در بخش دوم مقاله، این روایات، براساس ارجاع به روایات معتبر امامیه، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته‌اند.

۳-۱. روایات مربوط به نام و لقب حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الشَّرِيفُ در منابع زیدیه

بخش عمده‌ای از روایات مهدویت در منابع زیدیه، به موضوع نام و لقب حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الشَّرِيفُ اختصاص دارد. تحقیق و جست‌وجوی محققان در منابع زیدیه نشان می‌دهد که مجموعه این روایات، یعنی ۲۱ حدیث (با حذف موارد مکرر) را می‌توان ذیل چهار دسته به شرح ذیل طبقه‌بندی کرد:

الف) روایات دربردارنده عبارت «اسمه اسمی»

در برخی روایات منقول از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، چنین آمده است که قطعاً قبل از پایان دنیا، مردی از اهل بیت آن حضرت، بر زمین حاکم خواهد شد که همانام ایشان و پدرش همانام پدر ایشان است. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهند که ده روایت، در بردارنده عبارت «اسمه اسمی» در شش کتاب مشهور از منابع زیدیه که این منابع عبارتند از: «العقد الثمین فی تبیین احکام الاثمه الهادین» (قرن ۷)، «شرح الرساله الناصحه بالادله الواضحه» (قرن ۷)، «الانموذج الخطیر فی ما یرد من الاشکال» (قرن ۱۳)، «لوامع الانوار فی جوامع العلوم و الآثار» (قرن ۱۴)، «المنتزع من المحيط بالامامه» و «تحریر الأفكار».

شایان گفتن است که روایات مذکور از لحاظ مفهوم و مضمون، یکسان هستند؛ اما از جنبه الفاظ به کار رفته در متن روایت با هم دارای تفاوت‌های جزئی هستند. سه روایت از ده روایت مذکور، در کتاب‌های «شرح الرساله الناصحه بالادله الواضحه» از منصور بالله (ج ۱، ص ۴۵۱) و در دو کتاب الناصر لدین الله به نام‌های «الانموذج الخطیر فی ما یرد من الاشکال» (ج ۱، ص ۱۶) و



«لوامع الانوار فی جوامع العلوم و الآثار» (ج ۱، ص ۵۸) ذکر شده‌اند. در این روایات از «ابوهریره» به نقل از رسول الله ﷺ چنین آمده است: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا اِلَّا يَوْمَ لَطَوَّلَ اللهُ ذٰلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَلِيَّ رَجُلٌ مِنْ اَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُءِ اسْمِهِ اسْمِي.»

دو روایت از ده روایت مذکور، در کتاب «تحریر الافکار» آمده‌اند، به نقل از فردی به نام عبدالله از نبی اکرم ﷺ بدین شرح: «لا تذهب الدنيا (أو لا تنقض الدنيا) حتى يملك العرب رجل من اهل بيتي يواطئ اسمه اسمي» و نیز روایت دیگری که در بخش انتهایی، قسمتی اضافه بر دیگری دارد: «لا تمضى الأيام و الليالى حتى يملك رجل من اهل بيتي يواطئ اسمه اسمي و اسم ابيه اسم ابي يملأ الارض عدلا كما ملئت ظلما» (حوثی، بی تا: ج ۱، ص ۲۳۷).

چهار روایت از ده روایت، مذکور، در کتاب «العقد الثمین فی تبیین احکام الائمه الهادین» مندرج است با این عبارات: «المهدى اسمه اسمي و اسم ابيه اسم ابي» (امیرالحسین بن بدرالدین، بی تا: ج ۱، ص ۲۰۷). این روایت، مشابه روایتی است که در کتاب «المنتزع من المحيط بالامامه» مندرج است (زیدی، بی تا: ج ۱، ص ۷۳).

روایت دیگری که در کتاب «العقد الثمین فی تبیین احکام الائمه الهادین» آمده، چنین است: «لا تذهب الدنيا حتى تملك العرب رجل من اهل بيتي يواطئ اسمه اسمي و اسم ابيه اسم ابي يملأ الارض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا» (امیرالحسین بن بدرالدین، بی تا: ج ۱، ص ۲۱۹).

روایت دیگری با این عبارت در کتاب «العقد الثمین فی تبیین احکام الائمه الهادین» مندرج است: «لا تقوم الساعة حتى يملك الأرض رجل من أهل بيتي اسمه كاسمي» (همان، ص ۲۲۰). همچنین روایت دیگری که با روایت نقل شده در کتاب «تحریر الافکار» مشابه می باشد، چنین است: «رفعه الى النبي ﷺ: قال لا تذهب الدنيا أو لا تنقض الدنيا حتى يملك الارض رجل من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي» (همان، ص ۲۱۸ و حوثی، بی تا: ج ۲، ص ۹۸).

چنان که پیش از این گفته شد، در این بخش به جمع‌آوری و نقل روایات پرداخته می شود و در بخش دوم مقاله، اعتبار و صحت سندی و متنی این روایات نقد می گردد.

ب) روایات دربردارنده عبارت «اسمه اسمُ النَّبِيِّ»

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهند که چهار روایت در منابع زیدیه گویای این مطلب

هستند که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم همنام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. در یک روایت در کتاب «الکامل المنیر فی اثبات ولایة امیرالمؤمنین علیه السلام»، عبارت «اسمه اسم النبی» مندرج است (الرسی، ۱۴۲۳: ج ۱، ص ۱۷۳). نکته قابل توجه در مورد این روایت، آن است که «عبدالله بن عبدالرحمن»، از پدرش، از «معمّر»، از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت، در روزی که با ابوبکر بیعت شد؛ ضمن روایتی مفصل، به برشماری و معرفی خلفای بنی امیه پرداختند و از سلسله فاسق و فاجر خلافت اموی خبر دادند و سرانجام امر را مبتنی بر عزت اولیای الهی و ظهور حق و نابودی باطل و ظهور مهدی، مژده دادند. در این روایت بیان شده است که مهدی، همنام نبی صلی الله علیه و آله و پدرش همنام پدر آن حضرت است و زمین را در حالی که از ظلم و جور پر شده است، از قسط و عدل پر خواهد کرد و خلافت ائمه، به وسیله او و فرزندانش خاتمه می یابد؛ همچنان که نبوت به محمد صلی الله علیه و آله خاتمه یافت؛ و حق، پیوسته با ایشان است تا این که بر حوض (کوثر) وارد شوند.

همچنین سه روایت در منابع زیدیه دربردارنده عبارت «اسمه اسم نبی» هستند. این روایات در کتاب های «درر الأحادیث النبویه بالأسانید الی حیویه» (الهادی الی الحق، ۱۴۰۲: ج ۱، ص ۱۷۵)، «نهایه التنویه فی ازهاق التمویه» (وزیر، بی تا: ج ۱، ص ۲۳۴) و «هدایه الراغبین الی مذهب العتره الطاهرین» (وزیر، ۱۴۲۳: ج ۱، ص ۲۶۹)، درج شده اند. این روایات از امیرالمؤمنین علی علیه السلام عنوان شده و با اندک اختلافی در ابتدای روایت، متن آن ها چنین است: «... فیخرج رجل من عترتی اسمه اسم نبی، یملأ الارض عدلاً کما ملئت جوراً، یُمیز بین الحق و الباطل، یؤلف الله بین قلوب المؤمنین علی یدیه...». این روایات، بنا بر اذعان مؤلفان کتاب های مذکور در بیان فضل و شأن «یحیی بن حسین» امام زیدیان، معروف به «هادی الی الحق» می باشد (الهادی الی الحق، ۱۴۰۲: ج ۱، ص ۱۷۶)؛ در حالی که قالب و صورت ظاهری روایت، با روایات معرفی مهدی علیه السلام کاملاً مشابه است.

ج) روایات دربردارنده عبارت «یسَمی بِاسمِ نَبیکم»

دسته دیگری از روایات مربوط به نام و لقب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم در منابع زیدیه، روایاتی اند که دربردارنده عبارت «یسَمی بِاسمِ نَبیکم» هستند. بررسی ها نشان می دهند که شش روایت در



کتاب‌های «شرح الرساله الناصحه بالأدله الواضحه» (منصور بالله، ۱۴۲۳: ج ۱، ص ۴۵۱)؛ «العقد الثمین فی تبیین احکام الائمه الهادین» (امیر حسین بن بدرالدین، بی تا: ج ۱، ص ۲۱۵ و ۲۲۰)؛ «موجز مناقب الرسول و اهل بیته» (دیلمی، بی تا: ج ۱، ص ۲۶)؛ «الانمودج الخطیر فی ما یرد من الاشکال» (الناصر لدین الله، بی تا: ج ۱، ص ۱۶) و «لوامع الانوار فی جوامع العلوم و الآثار» (مویدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۵۸) نقل شده‌اند. همه این روایات به امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ منسوب هستند و متن آن‌ها چنین است: «قال علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و نظر الی ابنه الحسن فقال: ان ابنی هذا سید كما سَمَّاهُ رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و سَيَخْرُجُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلٌ يَسْمَى بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ يَشْبَهُهُ فِي الْخُلُقِ وَ لَا يَشْبَهُهُ فِي الْخُلُقِ يَمَلُّ الْأَرْضَ عَدْلًا.» نکته قابل توجه در این روایت، آن است که حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ را از نسل امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ و همنام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ معرفی کرده و این که آن حضرت از نظر اخلاقی شبیه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است؛ ولیکن از نظر خلقت، شبیه ایشان نیست.

قابل گفتن است که در شرح و نقد این روایت و توجیه مسئله تفاوت خلقت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، چنین روایتی در کتاب «المجموع المنصوری» از نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ملاحظه می‌شود: «يشبهُنِي فِي الْخُلُقِ وَ لَا يَشْبَهُنِي فِي الْخُلُقِ»؛ و مؤلف در ادامه توضیح داده است که اهل علم چنین تفسیر کرده‌اند که خُلُق رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، عفو و گذشت بوده و خُلُق قائم، انتقام و خونخواهی است (منصور بالله، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۱۲۹).

د) روایات در بردارنده عبارت «آخرنا محمد بن عبدالله»

یکی دیگر از روایات مربوط به نام و لقب حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ در منابع زیدیه؛ روایتی است که در بردارنده عبارت «آخرنا محمد بن عبدالله» می‌باشد. این روایت به نقل از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در کتاب «لوامع الانوار فی جوامع العلوم و الآثار» آمده و متن آن بدین شرح است: «أَوْلْنَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِاللهِ، وَ أَوْسَطْنَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِاللهِ، وَ آخِرْنَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِاللهِ.» این روایت را امام زیدیه، «المتوکل علی الرحمن، أحمد بن سلیمان» نقل و در ادامه چنین تفسیر کرده است: «فالأوّل محمد بن عبدالله النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و الأوسط محمد بن عبدالله النفس الزکیه و الآخرُ محمد بن عبدالله المهدی» (مویدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۵۸).

همان گونه که مشاهده می‌شود، مجموعه روایات مرتبط با موضوع نام و لقب حضرت



مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ السَّلَامُ در منابع زیدیه را می‌توان به چهار گروه مذکور تقسیم کرد که این روایات در بخش دوم مقاله مورد نقد و بررسی قرار خواهند گرفت.

۲-۳. روایات مربوط به نسب حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ السَّلَامُ در منابع زیدیه

بخش دیگری از روایات مهدویت در منابع زیدیه در مورد نسب و نسل حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ السَّلَامُ است. مجموعه این هیجده حدیث را نیز می‌توان ذیل پنج دسته تقسیم کرد که به شرح ذیل است:

الف) روایات دربردارنده عبارت «مهدی هذه الأمة»

دسته اول از روایات نسب مهدویت در منابع زیدیه، روایاتی هستند مشتمل بر عبارت «مهدی هذه الأمة» که سه روایت با عبارت مذکور در کتاب‌های «الکامل المنیر فی اثبات ولایة أمير المؤمنين»، «العقد الثمین فی تبیین احکام ائمه الهادین» و «لوامع الأنوار فی جوامع العلوم و الآثار» مندرج است. این روایات اگرچه در سند و راوی حدیث و نیز در بخش‌هایی از متن روایت با همدیگر دارای تفاوت هستند؛ مفهوم اصلی همه یکسان است.

روایت مندرج در کتاب «الکامل المنیر فی اثبات ولایة أمير المؤمنين» از «أبو أيوب انصاری» و روایت مذکور در کتاب «العقد الثمین فی احکام الائمة الهادین» از «أبو سعید خدری» و روایت مندرج در کتاب «لوامع الأنوار فی جوامع العلوم و الآثار» از «علی بن علی الهلالی»، از پدرش نقل شده است. این روایات که دارای متنی نسبتاً طولانی‌اند، قول رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خطاب به دختر گرامی‌شان فاطمه عَلِهَا السَّلَامُ می‌باشد که در آن‌ها فضایل و برتری‌هایی را که خدای متعال به اهل بیت عنایت فرموده است، عنوان شده و آن حضرت، «مهدی این امت» را از اهل بیت خود معرفی کرده‌اند.

گفتنی است در کتاب‌های «العقد الثمین فی تبیین احکام ائمة الهادین» (امیر حسین بن بدرالدین، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۰۷) و «المنتزع من المحيط بالامامة» (زیدی، بی‌تا: ج ۱، ص ۷۳)؛ سخن عبدالله بن حسن (پدر نفس زکیه) خطاب به پسرش نقل شده که او را «مهدی امت» خوانده و خطاب به او گفته است: «ما بقيت خصلة من خصال الخیر الا و هي فيك و انتك لمهدی هذه الأمة.» مؤلف کتاب «درر الاحادیث النبویه بالاسانید الیحيویه» در خلال باب «معرفة



الأصول» به مناسبت مبحث «شناخت امام»، به این بخش از روایت اشاره کرده و عبارت «مِنَّا مهدی هذه الأمة» را از قول رسول خدا ﷺ خطاب به نفس زکیه عنوان کرده است (الهادی الی الحق، ۱۴۰۲: ص ۸۶).

ب) روایات دربردارنده عبارت «المهدی مِنَّا اهل البیت»

چهار روایت از مجموع روایات مهدویت در منابع زبیدی در مورد نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف؛ گویای این نکته‌اند که آن حضرت از نسل اهل بیت هستند و عبارت «المهدی مِنَّا اهل البیت» در آن‌ها ذکر شده است. این روایات در کتاب‌های «شرح الرساله الناصحه بالادله الواضحه» (منصور بالله، ۱۴۲۳: ج ۱، ص ۴۵۱)؛ «الانموذج الخطیر فی ما یرد من الاشکال» (الناصر لدین الله، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۱۶)؛ «لوامع الانوار فی جوامع العلوم والآثار» (مویدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۵۸) و «تحریر الأفكار» (حوثی، بی‌تا: ج ۱، ص ۳۴) آمده‌اند. البته در روایت منقول در کتاب «لوامع الانوار فی جوامع العلوم والآثار»، کلمه «اهل البیت» حذف شده و فقط آمده است: «المهدی مِنَّا یحتمل الدین بنا کما فُتِحَ بنا» (مویدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۵۸).

ج) روایات دربردارنده عبارت «المهدی من ولدی»

دو روایت نیز دربردارنده عبارت «المهدی من ولدی» اند که در دو کتاب «العقد الثمین فی تبیین احکام الائمه الهادین» و «لوامع الانوار فی جوامع العلوم والآثار» (همان، ص ۶۱) درج شده‌اند. در این روایت از «حذیفه بن یمان» از رسول خدا ﷺ چنین نقل شده است: «المهدی من ولدی، وجهه کالقمر الدریّ اللّون لون عربی، و الجسم جسم اسرائیلی، یملا الأرض عدلا کما ملئت جورا، یرضی بخلافته اهل السموات و الأرض و الطیر فی الجویمک عشرین سنه» (امیر حسین بن بدرالدین، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۱۸).

د) روایات دربردارنده عبارت «من وُلد فاطمه»

دسته‌ای دیگر از روایات نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در منابع زبیدی، روایاتی هستند که دربردارنده عبارت «من وُلد فاطمه» هستند که تعداد آن‌ها هشت مورد است. از این تعداد، پنج روایت توسط «أم سلمه» از رسول خدا ﷺ نقل شده است که عبارت آن‌ها با اندکی اختلاف جزئی بدین شرح است: «ذکر عند رسول الله ﷺ المهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف. فقال: نعم، هو حق من ولد

فاطمه او قال: من بنی فاطمه» (همان، ص ۲۲۶؛ منصور بالله، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۴۵۱ و الناصر لدين الله، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۱۶). البته متن روایت منقول در کتاب «تیسیر المطالب فی أمالی أبی طالب»، اندکی طولانی و متفاوت است؛ لیکن در نهایت گویای همان مفهوم فاطمی نسب بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است: «أم سلمه قالت قلت يا رسول الله صلى الله عليه وآله ممن المهدي؟ قال: من بني هاشم، قلت: من أي ولد هاشم؟ قال: من ولد عبد المطلب. قالت: قلت: من أي ولد عبد المطلب؟ قال: من بني فاطمه» (هارونی، بی تا: ج ۱، ص ۱۵۵).

از هشت روایت مذکور، دو روایت از «زید بن علی» نقل شده که در آن‌ها به صراحت مسئله فاطمی نسب بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان شده است؛ اما تعیین نشده است که آن حضرت از نسل امام حسن عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند یا از نسل امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف: «سألنا زید بن علی عن المهدي أكائن هو؟ فقال: نعم، فقيل له: أم من ولد الحسن أو من ولد الحسين؟ فقال زید: أما لله من ولد فاطمه وهو من شاء الله من ولد الحسن أم من ولد الحسين» (امیر حسین بن بدرالدین، بی تا: ج ۱، ص ۱۹۹ و زیدی، بی تا: ج ۱، ص ۷۲).

یک روایت از هشت روایت پیش گفته، از علی بن الحسین عجل الله تعالی فرجه الشریف، از پدر بزرگوارشان، از مادر گرامی‌شان، فاطمه عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده که رسول خدا صلى الله عليه وآله به آن بانو فرمودند: «المهدي من ولدك» (امیر حسین بن بدرالدین، بی تا: ج ۱، ص ۲۲۷). در این روایت نیز مفهوم فاطمی نسب بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قابل برداشت است و احتمال نقل به معنا شدن حدیث وجود دارد.

ه) روایات دربردارنده عبارت «المهدی مئی»

در يك روایت نیز عبارت «المهدی مئی» آمده است: «المهدی مئی، أجلي الجبهه، أقتی الأنف؛ میلاً الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً» (مویدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۶۲) که با توجه به روایات سابق و راوی حدیث کاملاً مشخص است که منظور، از نسل پیامبر صلى الله عليه وآله بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۴. تحلیل انتقادی روایات مهدویت در منابع زیدیه

در بخش دوم این مقاله به بررسی و نقد روایات مهدویت در منابع زیدیه خواهیم پرداخت. در بخش اول عمده تلاش آن بود که بتواند دسته‌بندی و گونه‌شناسی دقیقی از روایات مربوط به



نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منابع زیدیه ارائه کنند و حتی آن‌ها را بر اساس نوع عبارت و الفاظی که در متن احادیث به کار رفته است، طبقه‌بندی کنند. در بخش دوم لازم است با مراجعه به محتوای احادیث آن‌ها را با احادیث معتبری که در منابع شیعه امامیه نقل شده‌اند، مورد بررسی و نقد قرار دهیم.

در روایات امامیه، امام دوازدهم به گونه‌ای مبسوط معرفی شده و خصوصیات و ویژگی‌های آن حضرت از لسان معصومان علیهم السلام به صورت دقیق بیان شده‌اند. مجموعه کامل این روایت که در منابع معتبر و متعدد شیعی نقل شده‌اند، با معرفی کامل و بیان دقیق اوصاف و القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تعیین مصداق شده و با بیان نام، کنیه، نسب و شمایل آن حضرت، جانشین دوازدهم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مشخص شده است. بنابراین، بدون در نظر گرفتن آنچه در منابع امامیه در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده، بررسی و نقد احادیث مهدویت در دیگر فرقه‌های اسلامی کاری ناقص و ابتر است.

۴-۱. بررسی و نقد روایات مربوط به نام و لقب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منابع زیدیه

همان‌گونه که اشاره شد، ۲۱ حدیث در منابع زیدیه به نام و لقب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره و ایشان را فردی هم اسم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی کرده‌اند. در بررسی و نقد این روایات، باید توجه داشت که بر اساس روایات وارد شده از معصومان علیهم السلام در منابع معتبر امامیه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همنام و هم‌کنیه جدش رسول خداست و از نظر شمایل و قول و فعل، شبیه‌ترین مردم به آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد.

به‌عنوان نمونه جابر بن عبدالله انصاری به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین آورده است:
 «الْمُهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَ خَلْقًا تَكُونُ بِهِ غَيْبَةً وَ حَيْرَةً تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَمُ ثُمَّ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّقَابِ يَنْلُؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وَ ظُلْمًا» (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ص ۶۷ و ابن بابویه، ۱۳۹۴: ج ۱، ص ۵۳۴).

همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ به پرسش جابر بن عبدالله انصاری در خصوص مصداق «اولی الامر» در آیه ۵۹ سوره نساء، اسامی ائمه دوازده گانه را بیان کردند و وقتی به امام دوازدهم رسیدند، ایشان را با عبارت «سَمِيَّ وَ كُنِّيَّ حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بَقِيَّتُهُ فِي عِبَادِهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

ذَلِكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى يَدَيْهِ مَسَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا، معرفی فرمودند (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ص ۵۳؛ خصیبی، ۱۴۱۹: ص ۳۷۸ و ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۲۸۲).

براساس روایت دیگری، «عبدالله بن عباس» از رسول خدا ﷺ چنین نقل کرده است: «مَهْدِيُّ أُمَّتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَعْمَالِهِ» (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ص ۱۰؛ ابن بابویه، ۱۳۹۴: ج ۱، ص ۴۸۴ و اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۵۱۰).

همچنین ابوبصیر به نقل از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ و ایشان از پدران بزرگوارشان و آن حضرت از رسول خدا ﷺ چنین آورده است:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خُلُقًا وَ خُلُقًا تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ حَتَّى تَضَلَّ الْخَلْقُ عَنْ أَدْيَانِهِمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ يُثْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّقَابِ فَيَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتَّ ظُلْمًا وَ جَوْرًا (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ص ۱۲۰ و همان، ۱۳۹۴: ج ۱، ص ۵۳۶).

در حدیث دیگری، امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ در جواب «احمد بن اسحاق» که از جانشین و امام پس از ایشان سؤال کرد، فرزندش را که کودکی سه ساله می نمود، به او معرفی و او را همانام و هم کنیه رسول خدا ﷺ معرفی کرده است:

«دَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ بَعْدَهُ... فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنِ الْإِمَامُ وَ الْخَلِيفَةُ بَعْدَكَ؟ فَهَضَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَخَلَ الْبَيْتَ ثُمَّ خَرَجَ وَ عَلَى عَاتِقِهِ غُلَامٌ كَأَنَّ وَجْهَهُ الْقَمْرُ لَيْلَةَ الْبَدْرِ مِنْ أَبْنَاءِ ثَلَاثِ سِنِينَ فَقَالَ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ لَوْلَا كَرَامَتُكَ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى حُجَجِهِ مَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا إِنَّهُ سَيُّدِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ وَ كُنْيَتُهُ...» (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۵۲۶ و عاملی نباطی، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۲۳۱).

این گونه روایات در منابع روایی، علاوه بر این که گویای نام و لقب حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ هستند و آن حضرت را همانام و هم کنیه رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ معرفی می کنند؛ به روشنی گویای این مطلب هستند که اسامی امامان دوازده گانه، از زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ مشخص و معلوم بوده و جای هیچ گونه شبهه ای در نام و لقب ایشان باقی نیست و بر این اساس، می توان روایات مطرح در منابع زبده در مورد نام و لقب حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ را تأیید کرد.



۴-۲. بررسی و نقد روایات مربوط به نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منابع زیدیه

همان گونه که اشاره شد، هیجده حدیث در منابع زیدیه به نسب و نسل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارد و آن حضرت را از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه علیها السلام معرفی کرده است. در بررسی و نقد این روایات نیز باید توجه داشت که بر اساس روایات موجود از معصومان علیهم السلام در منابع معتبر امامیه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند نهم از نسل امام حسین علیه السلام معرفی شده است. بررسی مجموعه روایات مطرح در این زمینه نشان می‌دهد که اکثر احادیث با عبارات ذیل از نسب آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف یاده کرده‌اند: «التاسع من ولدك يا حسين هو القائم بالحق»، «قائم هذه الأمة هو التاسع من وُلدي»، «التاسع من وُلد أخِي الحُسَيْن»، «قائم هذه الامه التاسع من ولدي»، «آخرهم التاسع من ولدي»، «تاسعهم قائم امتي»، «تاسعهم القائم من ولدي» و «جعل من صلب الحسين ائمه».

به‌عنوان نمونه از امام رضا علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است که خطاب به امام حسین علیه السلام فرمودند: «عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ لِلْحُسَيْنِ علیه السلام التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِكَ يَا حُسَيْنُ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ الْمُنْظَرُ لِلدِّينِ الْبَاسِطِ لِلْعَدْلِ» (طبرسی، ۱۳۹۰: ص ۴۲۶ و اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۵۲۱).

در روایت‌های متعددی نیز از امام حسین چنین آمده است: «قَائِمُ هَذِهِ الْأُمَّةِ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ...» (ابن بابویه، ۱۳۹۴: ج ۱، ص ۵۸۳ و حلی، ۱۴۰۸: ص ۷۱) و یا در روایت‌های دیگری آمده است: «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ...» (همان، ۶۸: ص ۶۸، حلی، همان؛ جوهری، بی‌تا: ص ۲۳ و ابن حیون، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۵۶۸).

مؤید دیگر این مطالب آن است که امام حسن مجتبی علیه السلام، هنگام صلح با معاویه فرمودند:

هیچ‌کدام از ما اهل بیت علیهم السلام نیست، مگر این که بیعت اجباری با حاکم طاغی زمانش بر گردن اوست، به جز قائم: «عَنْ أَحْسَنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَّى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا قَالَ: مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَ يَفْعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةَ لِطَاعِيَّةِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمَ الَّذِي يُصَلِّي خَلْفَهُ رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحْيِي وَ لَادَتُهُ وَ يُعَيِّبُ شَخْصَهُ لِنَلَّا يَكُونُ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ ذَلِكَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنِ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يُطِيلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ...» (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۲۸۹ و ابن بابویه، ۱۴۰۴: ص ۱۸).



در این روایت عبارت «التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ» به صراحت گویای سلسله نسب حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَةُ الشَّرِيفِ می باشد.

براساس روایت دیگری از «عبدالرحمن بن سمره» و او از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در پاسخ درخواست وی مبنی بر راهنمایی به سمت نجات و سعادت؛ پیمودن مسیر ولایت علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ و سلسله دوازده گانه جانشینان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضروری دانسته شده که نهمین ایشان، قائم امت، از نسل امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است:

عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ سُمْرَةَ قَالَ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أُرِيدُنِي إِلَى النَّجَاةِ فَقَالَ يَا ابْنَ سُمْرَةَ إِذَا اخْتَلَفَتِ الْأَهْوَاءُ وَتَفَرَّقَتِ الْأَرْأُفُ فَعَلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ إِمَامُ أُمَّتِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْهِمْ مِنْ ... وَ إِنِّيهِ إِمَامُ أُمَّتِي وَ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُ أُمَّتِي ... (نیشابوری، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۱۰۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۶۹ و ابن بابویه، ۱۳۷۸: ص ۴۸۳).

براساس روایت دیگری از «حسین بن خالد»، از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ به نقل از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ همه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به صورت دقیق معرفی شده و بر وجود حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَةُ الشَّرِيفِ، به عنوان نهمین فرزند از نسل امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ تصریح شده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ... وَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةٌ أُمَّتَهُ تَأْسِعُهُمُ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي طَاعَتُهُمْ طَاعَتِي وَ مَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي» (ابن بابویه، ۱۳۹۴: ج ۱، ص ۴۸ و ابن طاووس، ۱۴۱۳: ص ۵۵۳).

در روایت های بسیاری نیز عبارت «جَعَلَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أُمَّتَهُ» درج شده است، مانند قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ... أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَنِي وَ إِيَّاهُمْ حُجَجًا عَلَى عِبَادِهِ وَ جَعَلَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أُمَّتَهُ يَقُومُونَ بِأَمْرِي وَ يَحْفَظُونَ وَصِيَّتِي التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمُ أَهْلِ بَيْتِي وَ مَهْدِي أُمَّتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي سَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَفْعَالِهِ» (دیلمی، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۴۱۵؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ص ۳۹۸ و خزاز رازی، ۱۴۰۱: ص ۱۰۱).

بنابراین، با توجه به مجموعه روایت هایی که در این بخش ذکر شد، می توان چنین گفت که اگرچه در منابع زبده به صراحت نسب حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَةُ الشَّرِيفِ بیان نشده و هیچ نامی از دیگر ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، به ویژه از امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ نیامده و نسل ایشان به عنوان امام معرفی نشده است؛ در کل باید در نظر داشت که در منابع مذکور، اصالت نسب حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَةُ الشَّرِيفِ، به



پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام عنوان شده است. به عبارت دیگر، در منابع زیدیه نامی از امامان مذهب شیعه اثناعشری ذکر نشده و به صورت دقیق، نسب حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الشَّرِيف که از نسل امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام است، معرفی نگردیده؛ لیکن با تأکید بر عباراتی مانند: «المهدی منّا اهل البيت» و «المهدی من وُلد فاطمه»؛ بر اصالت نسب ایشان به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام تأکید شده است.

نتیجه‌گیری

یکی از مباحث بسیار مهم و در عین حال مشترك میان مذاهب مختلف اسلامی، مسئله مهدویت و اعتقاد به ظهور منجی است. این موضوع که به صورت پراکنده در منابع مختلف حدیثی مذاهب فریقین بیان شده است، می‌تواند زمینه‌ساز وحدت بین مذاهب و نزدیک‌تر شدن بین آن‌ها باشد. در این پژوهش به بررسی روایات مهدویت در منابع زیدیه پرداخته شد. در منابع این فرقه که احادیثی از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام و بزرگان زیدیه جمع‌آوری شده است، مسائل مختلفی در مورد حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الشَّرِيف نقل شده که به دلیل محدودیت حجم این مقاله، صرفاً دو موضوع «نام و لقب» و «نسب» ایشان مورد بررسی و تحلیل دقیق قرار گرفته‌اند. مطالعه و تحقیق در منابع زیدیه نشان می‌دهد که روایات مربوط به نام و لقب حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الشَّرِيف با تعداد ۲۱ مورد (پس از حذف مکررات)، بیش‌ترین فراوانی را در میان دیگر روایات مهدویت دارد که این فراوانی، گویای اهمیت این موضوع نزد این فرقه است. در احادیث زیدیه، نام و لقب حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الشَّرِيف با عباراتی مانند: «اسمه اسمی»، «اسمه اسم النبی»، «یَسْمَى بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ» و «آخرنا محمد بن عبدالله» نقل شده است. تحلیل و بررسی منابع امامیه نیز گویای آن است که نام و لقب حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الشَّرِيف، با نام و کنیه رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یکسان و اسامی امامان دوازده‌گانه از زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کاملاً مشخص و معلوم بوده است و جای هیچ‌گونه شبهه‌ای در نام و لقب ایشان نیست و بر این اساس، می‌توان روایات مطرح در منابع زیدیه در مورد نام و لقب حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الشَّرِيف را تأیید کرد.

همچنین بررسی منابع زیدیه نشان داد که هجده حدیث (با حذف مکررات) به موضوع نسب حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الشَّرِيف پرداخته‌اند که مجموعه این روایات را بر اساس الفاظ و عباراتی که به کار برده‌اند، به پنج گروه می‌توان تقسیم کرد. الفاظ به کار رفته در این احادیث عبارتند از: «مهدیُّ هذه الأُمَّه»، «المهدی منّا اهل البيت»، «المهدی من ولدی»، «من وُلد فاطمه» و «المهدی منّی». تحلیل

و بررسی این احادیث و مطالعه تطبیقی این موضوع در منابع امامیه، گویای آن است که در منابع زیدیه، به صراحت نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان نشده و هیچ نامی از دیگر ائمه اطهار علیهم السلام به ویژه از امام حسین علیه السلام نیامده و نسل ایشان به عنوان امام معرفی نشده است؛ اما اصالت نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت فاطمه علیها السلام بیان و با تأکید بر عباراتی مانند «المهدی منّا اهل البيت» و «المهدی من ولد فاطمه» بر اصالت نسب ایشان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت فاطمه علیها السلام تأکید شده است.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۰۴ق). *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، قم، مدرسة الإمام المهدي؟ عج؟.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ق). *أمالی*، تهران، نشر کتابچی.
۳. _____ (۱۳۷۸ق). *عیون اخبار الرضا علیهم السلام*، محقق: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
۴. _____ (۱۳۹۴). *کمال الدین و تمام النعمه*، محقق: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۵. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۴۰۹ق). *شرح الاخبار فی فضائل ائمه اطهار*، محقق: محمد حسین حسینی جلالی، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق). *مناقب آل ابی طالب*، قم، نشر علامه.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۳ق). *التحصین لأسرار ما زاد فی کتاب الیقین*، محقق: اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، قم، نشر مؤسسه دارالکتب.
۸. ابن لیمان، عبدالله بن حمزة (۱۴۰۶ق). *کتاب الشافی*، صنعاء، مکتبة الیمن الکبری.
۹. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). *کشف الغمه فی معرفة ائمه*، محقق: سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز، نشر بنی هاشمی.
۱۰. امیر حسین بن بدر الدین، محمد بن احمد (بی تا). *العقد الثمین فی تبیین احکام ائمه الهادین*، محقق: عبدالسلام عباس وجیه، بی جا، بی تا.
۱۱. بغدادی اسفراینی، عبدالقاهر بن طاهر (۱۹۹۸م). *الفرق بین الفرق*، محقق: محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، مکتبه العصریه.



۱۲. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲). *دایرةالمعارف تشیع*، تهران، انتشارات حکمت.
۱۳. جوهری، احمد بن عبدالعزیز (بی‌تا). *مقتضب الأثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر*، محقق: نزار منصور، قم، انتشارات طباطبایی.
۱۴. حلی، علی بن یوسف (۱۴۰۸ق). *العدد القویه لدفع المخاوف الیومیة*، محقق: مهدی رجائی و محمود مرعشی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۵. حوثی، بدرالدین (بی‌تا). *تحریر الأفكار*، محقق: سید جعفر حسینی، قم، مجمع جهانی اهل بیت.
۱۶. حوثی، محمد بن یحیی (۲۰۰۲م). *المختار من صحیح الاحادیث و الآثار*، بیروت، مرکز اهل البيت للدراسات الاسلامیة.
۱۷. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). *کفایة الاثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر*، محقق: عبداللطیف حسینی کوهکمری، قم، نشر بیدار.
۱۸. خصیصی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق). *الهدایة الکبری*، بیروت، نشر بلاغ.
۱۹. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم، نشر شریف رضی.
۲۰. دیلمی، عبد الله علی مطهر (بی‌تا). *موجز مناقب الرسول و اهل بیته*، قم، موسسه آل البيت؟ عهم؟.
۲۱. الرسی، القاسم بن ابراهیم (۱۴۲۳ق). *الکامل المنیر فی اثبات ولایة أميرالمؤمنین علی بن أبی طالب علیه السلام و الرد علی الخوارج ینسب*، بیروت، دار دلتا للطباعة والنشر.
۲۲. زیدی، علی بن حسین (بی‌تا). *المنتزع من المحيط بالامامه*، محقق: محمد یحیی سالم عزان، بی‌جا، بی‌تا.
۲۳. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم (۱۹۷۲م). *الملل و النحل*، محقق: محمد بن فتح الله بدران، بیروت، دارالمعرفة.
۲۴. صابری، حسین (۱۳۸۳). *تاریخ فرق اسلامی*، تهران، سمت.
۲۵. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، محقق: محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق). *اعلام الوری باعلام الهدی*، تهران، انتشارات الاسلامیه.
۲۷. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۹۴). *لباب الاعتقاد فی شرح تجرید الاعتقاد*، مترجم: سید یوسف ابراهیمیان آملی، قم، انتشارات قائم آل علی؟ ع؟.
۲۸. عاملی نباطی، علی بن محمد (۱۳۸۴ق). *الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم*، محقق: میخائیل رمضان، نجف، نشر المكتبة الحیدریه.



٢٩. مسعودى، على بن حسين (١٤٠٩ق). *مروج الذهب ومعادن الجوهر*، محقق: اسعد داغر، قم، دار الهجرة.
٣٥. منصور بالله، عبدالله بن حمزه (١٤٢٢ق). *المجموع المنصوري*، صعده، مؤسسة الإمام زيد بن علي الثقافية.
٣١. _____ (١٤٢٣ق). *شرح الرسالة الناصحة بالأدلة الواضحة*، صعده، مركز اهل البيت للدراسات الاسلاميه.
٣٢. مويدي، مجد الدين بن محمد (١٤١٤ق). *لوامع الانوار في جوامع العلوم والاثار وتراجم اولى العلم والانظار*، صعده، مكتبة التراث الاسلامي.
٣٣. الناصر لدين الله، عبدالله بن حسن (١٤١٩ق). *الأنموذج الخطير في ما يرد من الاشكال*، محقق: أحمد محمد حجر، صعده، مكتبة التراث الإسلامي.
٣٤. نيشابوري، محمد بن احمد (١٣٥٧). *روضه الواعظين وبصيرة المتعظين*، قم، انتشارات رضى.
٣٥. وزير، هادى بن ابراهيم (١٤٢٣ق). *هداية الراغبين الى مذهب العترة الطاهرين*، صعده، مؤسسة الإمام زيد بن علي.
٣٦. _____ (بى تا). *نهاية التنويه فى ازهاق التمويه*، صعده، مؤسسة الإمام زيد بن علي.
٣٧. الهادى الى الحق، يحيى بن الحسين (١٤٠٢ق). *درر الاحاديث النبويه بالاسانيد الحيويه*، محقق: عبدالله محمد بن حمزه بن أبى النجم صعدي، بيروت، مكتبة الأعلمی.
٣٨. هارونى، سيد يحيى بن حسين (بى تا). *تيسير المطالب فى امالى ابى طالب*، محقق: عبدالله بن حمود العزى، بى جا، مؤسسه فرهنگى امام زيد بن علي.
٣٩. يحيى الأمين، شريف (١٤٠٦ق). *معجم الفرق الإسلاميه*، بيروت، دار الأضواء.

